

چگونگی احیای بناهای تاریخی محله سنگ سیاه شیراز

مجتبی بابائی

چکیده :

در این مقاله به بررسی چگونگی احیای بناهای تاریخی واقع در محله سنگ سیاه شیراز پرداخته میشود. اکثر آثار بجا مانده از این محله به زمان قاجار تعلق دارند که در حال حاضر یا مرمت شده بدون آنکه احیا شود یا کاربری غیر اصولی به بناها داده شده است یا اینکه توسط مالکین دولتی یا خصوصی به حال خود رها شده اند. در ابتدا تاریخچه این محل و بناهای موجود به صورت توصیفی مورد بررسی قرار میگیرد و چگونگی مرمت و احیای بناهای تاریخی بیان میشود. مرمت و احیای بناهای تاریخی موجود بایستی همزمان انجام گیرد و کاربریها پیش از مرمت بر اساس نیازهای شهری مشخص شود. بناهای با ارزش تاریخی در محله ای که حیات در آن وجود ندارد پس از مرمت نیز مجدداً به حال خود رها می شود و به مرور از بین میرود. زمانی که یک بنای تاریخی مرمت و احیا می شود در صورتی که در یک بافت فرسوده و بی ارزش که از لحاظ امنیت در مرتبه پایینی قرار گرفته و زندگی در آن به طور طبیعی در جریان نیست، قرار بگیرد پس از مدتی این بنا نیز تحت تاثیر محیط اطراف، مورد بی توجهی قرار میگیرد و به مرور از بین میرود لذا بایستی مرمت و نوسازی بناهای تاریخی همزمان با بهسازی و نوسازی بناهای اطراف و تامین امنیت ساکنین انجام گیرد که این امر هم برای بافت تاریخی با ارزش میباشد هم به نفع بناهای تاریخی میباشد. تهیه طرحهای توجیهی با در نظر گرفتن مسائل شهری میتواند به احیای این محله کمک فراوانی کند.

کلمات کلیدی: مرمت بناهای تاریخی، بناهای تاریخی شیراز، محله سنگ سیاه شیراز، بافتهای فرسوده شیراز، مرمت بناهای تاریخی محله سنگ سیاه

مقدمه :

بافت تاریخی شهر شیراز تا به امروز ادوار تاریخی بسیاری را به خود دیده است اما به دلیل وقوع حوادث طبیعی مانند سیل سال ۱۰۷۷ ه.ق و زلزله های مهیبی مانند زمین لرزه سال ۱۲۳۹ ه.ق، اکثر آثار بجا مانده از آن به زمان قاجار تعلق دارند که از آن میان مسجد جامع عتیق و امامزاده علی بن حمزه از بناهای اولیه شهر محسوب می شوند و بناهایی نظیر مسجد جامع نو، بقعه بی بی دختران، مدرسه خان و مجموعه زندیه یادگارهایی از دوره بعدی می باشند.

شهر در زمان قاجار به محلات مختلفی تقسیم می شده که از آن میان محله سنگ سیاه را می توان به عنوان یکی از محلات مهم و پر از دهام به شمار آورد. این محله در زمان کریمخان از ادغام دو محله دیگر به نام های درب کازرون و محله باهلیه بوجود آمده است. قبل از آن می توان محله باهلیه را به عنوان یکی از محلات حاشیه نشین تصور کرد که قبرستان وسیعی را شامل می شده است. اما تاریخ تشکیل محله درب کازرون به زمان آل اینجو باز می گردد که بعد از آن به مخروبه ایی تبدیل می گردد. گذر سنگ سیاه یک مسیر ارتباط دهنده در بین دروازه کازرون و هسته مرکزی شهر بوده است. رفته رفته با توسعه شهر بر اهمیت این گذر افزوده می شود تا اینکه در زمان قاجار به صورت گذرهای پر جمعیت شکل می گیرد و ساخت و سازهای فراوانی در کنار مزار و آرامگاه هایی مانند بقعه بی بی دختران، سید تاج الدین غریب، قبر سیبویه انجام می شود و حتی مشیرالملک در این گذر و نزدیک به احداث می گردد.

حدود این محله از طرف جنوب و جنوب غربی حصار شهر بوده و از طرف شمال به محلات میدان شاه و سرباغ و از سمت شرق به محله سر دزک محدود می باشد. در حد فاصل این محله و محله سر باغ، محله آرامنه واقع شده که دارای کلیسایی به قدمت دوره صفویه و بازارچه کوچکی است. اهالی محل سر جوب را ارمنی ها می نامند.

نام این محل ماخذ از سنگ سیاه قبری است که منتسب به عمرو بن عثمان بیضائی که کنیه اش ابوالبشر یا ابوالحسن و اسم ایرانی "سیبویه" است که در آخر گورستان باهلیه واقع بوده و تا چندی پیش سنگ قبر این دانشمند که به صورت سنگ سیاهی بود که در گوشه منزلی دیده می شد.

محله سنگ سیاه :

این محله در نزدیکی نقاطی قرار دارد که قدمت آنها به دوره های صفاری و اتابکان می رسد و می توان به بناهایی همچون مسجد جامع عتیق، مسجد نو، بقعه بی بی دختران، آرامگاه سیبویه، کلیسای مریم مقدس، مسجد مشیرالملک و تعداد زیادی خانه های بارزش تاریخی و معماری اشاره کرد که حاکی از نقاط اولیه شکل گیری شهر در این مناطق می باشند. (رستگار فسایی ۱۳۸۲)

این محل یکی از بارزش ترین بافت های تاریخی- اجتماعی را داراست که کم و بیش عناصر شهری خود را همچنان حفظ کرده است. گذر سنگ سیاه از جنوب به دروازه کازرون و از شمال به خیابان دستغیب مرتبط می شود که به دلیل نفوذ وسایط نقلیه، این گذر جزء دسترسی های اصلی محسوب می شود.

بررسی چگونگی مرمت و احیای محله بناهای تاریخی محله سنگ سیاه

احیای این محله و بناهای با ارزش آن موجب ارتقاء کیفیت زندگی در محله سنگ سیاه میشود. در ابتدا بحث آسیب شناسی و در ادامه به مسئله مرمت و چگونگی احیای بناهای تاریخی این محله را بررسی میکنیم. جهت بررسی و انجام مطالعات آسیب شناسی نیاز به دسته بندی و تفکیک آنها ضروری به نظر می رسد. اما نباید فراموش کرد که آسیب خود معلول یک یا چند عامل مخلی که در ادامه به آنها پرداخته می شود، است. در نتیجه به صرف مشاهده ظاهری نمی توان در خصوص علت یا علل قطعی آن اظهار نظر کرد و معمولاً اصلی ترین عامل مخل به عنوان علت معرفی می گردد. ولی بیاد داشته باشیم که شرایط تابعی از زمان است و زمان در گذر. لذا نادیده گرفتن عامل مخلی که امروز ناچیز به نظر می رسد، شاید فردا اصلی ترین علت تخریب باشد. لذا با توجه به مطالب مذکور، در ادامه سعی می کنیم تا با دسته بندی عوامل مخل به دو گروه کلی عوامل مخل درونی و عوامل مخل بیرونی بحث آسیب شناسی را ادامه دهیم.

قبل از ادامه بحث یادآوری می کنیم که در عمل طبقه بندی عوامل مخل در چهارچوب های مختلفی امکان پذیر می باشد که هر یک به نوبه خود می توانند با توجه به شرایط اثر مورد مطالعه، صحیح باشند. طبقه بندی تنها برای سهولت مطالعه عوامل مخل صورت می گیرد.

عوامل مخلي که موجب تخریب بنا هاي تاريخي واقع در محله سنگ سیاه شده است :

۱- عوامل مخل دروني

این عوامل اغلب ذاتی‌اند و عموماً به دلیل فنی و به هنگام ساخت بوجود می‌آیند. آسیب‌های ناشی از عوامل مخل درونی اغلب به سایر عوامل مخل (بیرونی) نسبت داده می‌شوند و تنها با مطالعه دقیق ساختار، تکنولوژی ساخت و هندسه بنا قابل درک و مشاهده هستند. عوامل مخل درونی را می‌توان در دو دسته کلی، طبیعی و انسانی مورد استفاده قرار داد.

۲- عوامل طبیعی

ضعف مواد و مصالح

ضعف مواد و مصالح بیشتر به روش‌های ساخت و کیفیت مواد اولیه بستگی دارد و در اغلب موارد نمی‌توان از روی ظاهر مصالح به ضعف‌ها و نقایص آن پی برد. به عنوان یک مثال ساده می‌توان به آجر اشاره کرد، هر چند که از روی خواص ظاهری مانند رنگ و بافت می‌توان به تعدادی از مشخصات آجر پی برد اما مواردی همچون وجود آهک، نمک و تاب فشاری آن، نیاز به انجام پاره‌ای آزمایشات ساده و گاهی اوقات پیچیده دارد.

ضعف عناصر

در این بخش ضعف‌های ذاتی عناصر ساختاری مانند جرزها و پایه‌ها با توجه به عملکردشان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ضعف هندسه

اکثر بناهای تاریخی قبل از ارائه روش‌های آنالیز ریاضی ساخته شده‌اند. سازندگان چنین بناهایی دارای ارتباط فوق العاده بین دست و مغزشان بوده و قادر به کار بستن مشاهدات تیزبینانه‌شان در تحلیل‌ها بوده‌اند. شاید به همین دلیل باشد که سازه‌های قدیمی به صورت طراحی بیشینه اجرا می‌شدند. اما این طراحی بیشینه هم کافی نبوده است و بعضی از قسمت‌ها تحت فشارهای بیشتری نسبت به قسمت‌های دیگر قرار می‌گیرند و کشش‌ها بر یک قسمت ضعیف، باعث فروریختن آن می‌شوند. به همین دلیل پیشنهاد می‌گردد، هر مطالعه‌ای از استحکام ساختمان باید در سه سطح اجزاء ساختاری، بستری که بر روی آن قرار دارد و مصالح صورت گیرد. به غیر از چوب، سایر مصالح بکار رفته در سازه‌های قدیمی مقاومت کششی بسیار کمی دارند. معماران تنها با در دست داشتن مصالح فشاری مجبور به طراحی بودند. برای جبران این نقص در مصالح از ترفند جالبی در هندسه بناها استفاده کرده‌اند. به این نحو که سعی کردند با استفاده از هندسه مناسب خطوط نیروها را کنترل کنند و همواره آنها را در محدوده فشاری نگه دارند که نتیجه آن پیدایش فرم قوس‌ها و گنبد‌ها بوده است. وضعیت اولیه عکس العمل‌های داخلی سازه در ساختمان آن مشخص شده است. در صورتیکه واکنش‌های ثانویه آن بستگی به وضعیت بیرونی و چگونگی تغییرات دارد. در نتیجه سازه باید مقاومت مطلوب جهت تحمل بارهای وارده به آن

را دارا باشد. نباید فراموش کرد که نیروی جاذبه زمین، هم نیروی ایستا و نگهدارنده و هم مسبب اصلی خرابی بناهاست. (حبیبی ۱۳۸۶)

۳- عوامل انسانی

عمده‌ترین مشکل که تحت عنوان عوامل انسانی در بخش عوامل مخل درونی می‌توان به آن اشاره کرد، اشتباه در طراحی و یا نادیده گرفتن برخی از نکات در طراحی است.

۴- عوامل مخل بیرونی

عوامل مخلی که به نوعی از محیط خارج باعث آسیب می‌گردند را می‌توان در این دسته قرار داد. تأثیر این دسته از عوامل در آغاز بیشتر روی پوسته خارجی دیده می‌شود - سوای زمین لرزه که منجر به تغییر شکل استخوانبندی و سپس به هم خوردن وضع اولیه خارجی بنا می‌شود - در این باره می‌توان به رده‌بندی زیر که همانند بالا به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می‌شود اشاره داشت:

۵- عوامل طبیعی

عواملی دوره‌ای با تأثیر مداوم روی بنا مانند باد، باران، برف، سرما و گرما و ... طبیعی هستند که فرسایش و آسیب‌های وارده از طرف آنها به سه طریق کلی زیر به بنا وارد می‌شود:

عوامل فیزیکی

تغییرات متناوب دما، رطوبت‌های نزولی، صعودی، باد، نشست، زلزله و ... از زمره عوامل مخل طبیعی هستند.

عوامل جوی

زیرمجموعه‌ای از عوامل فیزیکی شامل: تغییرات متناوب دما، نزولات جوی، باد، یخبندان و ... بدلیل اهمیت و گستردگی آسیب‌های ناشی از رطوبت و انواع گوناگون آن در این بین به شرح و طبقه‌بندی آن تحت عنوان زیر پرداخته می‌شود:

آسیب‌های ناشی از رطوبت

یکی از بزرگترین عوامل زوال و فرسودگی در بناهای تاریخی، رطوبت کنترل نشده می‌باشد. وجود چنین رطوبتی باعث سائیدگی، خوردگی، پوسیدگی و حتی تخریب مصالح و نهایتاً اعضای سازه‌ای می‌گردد. تعیین میزان رطوبت جرزها و چگونگی توزیع رطوبت در آن از طریق اندازه‌گیری میزان درصد آب در ارتفاعات مختلف از سطح زمین صورت می‌گیرد، تا بتوان راهی برای درمان آن اندیشید.

اما اغلب اوقات دستگاه‌های اندازه‌گیری رطوبت در دسترس نیستند. در این مواقع می‌توان با اندکی دقت نظر و مشاهده دقیق عوارض تا حد زیادی اطلاعات مورد نیاز را بدست آورد. در ابتدای بحث ذکر این مطلب که، فرسایش در جرزه‌های مرطوب بستگی به میزان جذب رطوبت در آن ندارد، بلکه به نسبت زیاد و کم شدن متناوب رطوبت در آن مربوط می‌گردد، لازم به نظر می‌رسد. به هنگام انجام مطالعات آسیب‌های ناشی از رطوبت نباید فقط از روی آسیب‌های ظاهری قضاوت کرد؛ لکه‌های موجود روی بدنه‌ها ممکن است نشانی از یک پدیده از بین رفته و یا در حال فعالیت باشد. لذا برای تشخیص، جهت درمان سه بررسی زیر ضرورت دارد:

- الف-اندازه‌گیری رطوبت موجود در هوا
- ب-اندازه‌گیری چگونگی تمرکز و توزیع رطوبت
- ج-مشخص نمودن منشاء آب (رطوبت)

مدیریت نادرست

به ان دسته فعالیت هایی اطلاق می‌شود که به دلیل عدم برنامه‌ریزی صحیح عدم نگهداری و یا تصمیم‌گیریهای اشتباه در خصوص عملکرد بنا و یا محوطه اطراف آن به بنا آسیب می‌رساند. این آسیب‌ها می‌توانند فیزیکی و یا بصری باشند. همچنین استفاده از شیوه‌های مرمت غلط نیز در این گروه دسته‌بندی می‌گردد.

ویرانگری آثار هنری

همواره بر روی آثار باستانی یادگاری‌ها و یا آسیب‌های همچون خط انداختن، کندن قسمتی از بنا و ... را می‌بینیم که توسط بازدیدکنندگان و رهگذران به وجود آمده و علاوه بر آسیب فیزیکی وارده موجب به وجود آمدن آسیب بصری می‌گردد. در داخل خانه کهپیار نشانه‌های بسیار زیادی از کنده‌کاری‌ها و یادگاری‌های نوشته شده با رنگ را روی بدنه خانه می‌توان مشاهده کرد. (حبیبی ۱۳۸۶)

استفاده از مصالح در بنای دیگر

به دلیل پایین آوردن هزینه‌های ساخت، سرعت بخشیدن به اجراء و زحمت کمتر در خصوص فراهم آوری مصالح و در دسترس بودن آن، بخش‌هایی و یا تمام قسمت‌های بنای به ظاهر فرسوده و گاهی سالم را تخریب کرده و در ساخت بنای جدیدتر استفاده می‌کنند. این امر پدیده جدیدی نیست و شواهد باستان‌شناسی زیادی آنرا تأیید می‌کنند. در خانه کهپیار می‌توان به ناپدید شدن درهای خانه، دزدی و مفقود شدن سنگ‌های کف خانه بوسیله بومیان اطراف برای استفاده در ساخت خانه‌ها اشاره کرد.

عمده ترین آسیب های موجود در بناهای تاریخی محله سنگ سیاه

به دلیل عدم برنامه‌ریزی صحیح عدم نگهداری و یا تصمیم‌گیریهای اشتباه در خصوص عملکرد بنا و یا محوطه اطراف آن به بنا آسیب می‌رساند. این آسیب‌ها می‌توانند فیزیکی و یا بصری باشند. همچنین استفاده از شیوه‌های مرمت غلط نیز در بناهای موجود در این محله مشاهده می‌شود. یکی دیگر از عوامل تخریب بناهای این محله این است که محله سنگ سیاه جز یکی از نقاط پست ارتفاعی نسبت به کل شهر می‌باشد و همین امر موجب شده تا سطح آبهای زیر زمینی در این محدوده بالا باشد و رطوبت صعودی موجب تخریب بناها شود که می‌توان با کمک زه کشی و تعبیه کانالهای دفع نم این رطوبت را کنترل کرد.

احیای بناهای تاریخی محله سنگ سیاه

بحث مهم و اساسی که در پایان بیان میشود نحوه احیای بناهای تاریخی محله سنگ سیاه است. که پس از مرمت آثار با ارزش تاریخی مهم ترین مسئله، احیای این بناهاست زیرا بنای مرمت شده در صورتی که احیای اصولی نداشته باشد مجدداً به حال خود رها می شود و به دست فراموشی سپرده می شود. مرمت تولد دوباره ای که گواه سالهای دور بودن ماست. به این ترتیب دیگر "مرمت" تنها عملی فیزیکی در تعمیر بنا نیست. پدیده ای است که می کوشد روح مستتر در خشت و آجر بنا را شوقی دوباره بخشد و آئین کهن زیستن را به چشمه های زلال و قطره های به یادگار مانده دعوت کند. از همین رو اغلب گذشته از خشت و ملات و ... حضور [تنها حضور] تنفس خفیفی را به طراوت حیات بدل می کند و آنان که می کوشند در انتخاب زوایای فنی، هنری و فرهنگی مرمت، رجحان یکی را بر دیگری ثابت کنند، ره به جایی نمی برند. مرمت بر خلاف آنچه گاهی به کهنه پرستی و فرار از واقعیت امروزین متهم می شود، در حقیقت در رویکرد منطقی به سنت ها، تاریخ و میراث معماری و شهرسازی، مدرن ترین و پیشتازانه ترین روش و الگو به شمار می آید. تا جایی که متعصب ترین طرفداران تجدد را نیز مکلف به عملکردی منطبق با سنت های پذیرفته شده می کند. در طول تاریخ هرگز هیچ قومی به یکباره و گسیخته از گذشته و پیشینه فرهنگی خود سر برنیاورده است. بناهای تاریخی یکی از یادگارهای فرهنگی هر سرزمین و تمدنی هستند که مجموعه ای از دست آوردهای فنی و هنری را همراه با انبوهی از اطلاعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حفظ کرده و در انتقال آن ها به نسلهای آینده نقشی بی جایگزین ایفا می کنند. در کویر اگر بخواهیم رفتنمان را احساس کنیم، به نشانه ای که آنرا پشت سر گذاشته ایم می نگریم. اصلاً مسافت بی مبداء معنایی ندارد. بناهای به یادگار مانده از گذشته های تاریخی، یکی از نشانه هایی است که با دیدنشان حرکت را در بستر زمان و اندیشه و ... باور می کنیم. بی این نگاه، سرگردانی و بی اعتمادی بر ما چیره می شود. هیچی و هیچ انگاری. از این رو مطالعه، شناخت و معرفی این ابنیه به فراخور سطح دانش و فرهنگ روز امری غیر قابل اهمال است. از طرفی نباید فراموش کرد که آیندگان نیز (که قطعاً به علوم کامل تری مجهز خواهند شد) سهمی از این منابع فرهنگی و هنری دارند که امروزه از وجه امانت پیش ماست.

سیاست‌هایی کالبدی در جهت احیای بناهای تاریخی محله سنگ سیاه

سیاست‌های کالبدی

تخریب بناهای فاقد ارزش و غیربهداشتی و بهسازی و نوسازی بناهای با ارزش قدیمی - تاریخی
تخریب بناهای فاقد ارزش همجوار با بناهای با ارزش به منظور دسترسی بهتر و بهبود وضع بهداشت
تخریب محلات کثیف و قدیمی غیر بهداشتی و ارائه شهرسازی جدید برای قسمت های تخریب شده
مداخله وسیع، یکباره و قهرآمیز در بافت
انتقال کاربریهای ناسازگار به خارج از بافت تاریخی شهر
مرمت بناهای با ارزش قدیمی پس از تخلیه تهیدستان شهری از آنها
حفاظت و ارزش نهادن به ساختمان ها و مجموعه های تاریخی با ارزش قابل نگهداری از نظر میراث فرهنگی و تمدنی موجود در شهر قدیم و حفاظت منطقی ابنیه با ارزش
ضابط مند کردن ساخت و سازهای جدید در حد مصالح، ارتفاع و هماهنگی با بناهای پیرامون
حفظ وضع موجود مشروط بر پاسخگویی به نیازهای معاصر

اعطای عملکرد جدید به بنا یا مجموعه، مشروط بر عدم دگرگونی عمده

سیاست‌های حمل و نقل

تنظیم آمد و شد سواره درون بافت مرکزی با احداث گذرهای زیرزمینی یا مسیرهای کمربندی ایجاد شبکه های دسترسی سواره و پیاده و تقویت شبکه وسایل حمل و نقل عمومی بالا بردن میزان دسترسی درون شهر قدیم و توسعه شبکه ارتباطی موجود آرام سازی عبور و مرور در شهر قدیم (محدودیت های تردد وسیله نقلیه خصوصی)

روش حفاظتی- تزئینی

در بر گیرنده اقداماتی برای حفظ، نگهداری و ارتقای زیبایی شناسی فضایی در پیکره، سیما و چهره معماری شهری بافت می باشد. "بهتر جلوه دادن بناهای قدیمی، گسستن آنها از پیوندهای کالبدی با بافت مسکونی اطراف، از بین بردن محله های غیر بهداشتی و فقیر نشین داخل شهر، احداث فضاهای باز در محلات قدیمی به پیروی از معیارهای نو مربوط به طرحهای نوسازی شهری و به وجود آوردن چهره ای "مدرن" و روحیه ای هماهنگ و مشابه با شهرهای بزرگ جهانی مترادف با هدف زیبا سازی است."

بنابراین هدف این روش، زیبا سازی بافت کهن به منظور ایجاد منظر شهری جذاب و گیراست. این روش نیز بر معاصر سازی سازمان فضایی و پاسخگویی به شرایط جدید زیست و تولید پا می فشارد ولی نگاه آن بیشتر جنبه احساسی و محافظه کارانه دارد. "شهرسازی تعویضی" عنوانی است که برای این گونه طرحها به کار می رود و بیانگر گرایشی است که با یا بی شناخت صحیح و ارزیابی لازم، سطوح قدیمی شهرهای توسعه یافته را برای احداث مجموعه های معاصر و متراکم مسکونی، خدماتی- بازرگانی و تولیدی پیشنهاد می کند. این روش به دنبال چهره ای نو در بافت کهن می گردد. در پس روش حفاظتی- تزئینی، تفکر فرهنگ گرا قرار گرفته است. اقدامات مربوط به این روش عمدتاً با احیاء، ایقا و نه تخریب مواجه است. پایه های نظری این روش را می توان به راسکین، موریس و سیت در قرن نوزدهم منسوب کرد. ساماندهی محیط شهری

ساماندهی محیط شهری

معاصر سازی با توجه به حفظ ثروت فرهنگی و عوامل زیبایی شناختی معاصر سازی زیستگاههای طبیعی، ابنیه های تاریخی به عنوان یادمانهای تاریخی- فرهنگی یکی از مهمترین مسائل جهت بازگشت حیاط به محله سنگ سیاه تامین امنیت ساکنین محل و مردمی که جهت استفاده از امکانات موجود به این محله می روند است. در صورتی که مردم جهت عبور و مرور در این محله احساس امنیت داشته باشند. حیات به این محله باز می گردد و موجب احیا و بهسازی فراگیر در محله می شود. در حال حاضر بیشتر بناهایی که احیا می شوند به عنوان رستوران یا هتل سنتی یا موزه مورد استفاده قرار می گیرند، اما کاربریهای زیادی وجود دارد که میتواند کمک عدیده ای به احیای محله سنگ سیاه کند، رفع نیازهای

ساکنین و ایجاد جزایتهایی خاص برای اقشار مختلف جامعه می‌تواند کمک زیادی به حضور حیات در محله سنگ سیاه کند.

تأکید بر منظر شهری و معماری منظر (حفظ چهره، سیما و منظر کلی بناها و بافت های تاریخی) تأکید بر مفهوم سازمندی بافت های کهن شهری (حفظ و نگهداری اندام ها و استخوان بندی شهر کهن) ارتقای نقش و معاصر سازی عملکرد بافت کهن با احترام به سازمان فضایی و کالبدی موجود حفظ خاطره های جمعی و تأکید بر تداوم تاریخی خاطره ها و یادها (قدیری 1385)

روش جامع مرمت شهری

یکی از سیاستهای کاربردی جهت احیای محله سنگ سیاه با رویکردی به مسائل شهری و در نظر گرفتن روشهای جامع شهری است. هدف از روش طرح جامع مرمت شهری، مورد توجه قرار دادن مسائل بافت کهن با توجه به مسائل کل شهر در قالب ارائه و تدوین روش جامع نوسازی برای کل شهر می باشد. این روش، به جمع عوامل و متغیرهای شهر همچون موجود زنده ای که در بستر منطقه ای شهر می زیند، توجه دارد و در هماهنگی با آنچه سرنوشت بخشهای نو با شهر خواهد بود، به تدوین راه حلهایی برای مسائل خاص بافت های قدیمی می پردازد. خطوط کلی سیما و پیکره آنها

تعریف میراث های ملی و جهانی به منظور حفظ، نگهداری و ارتقای آنها

ایجاد موزه در فضاهای باز به منظور اطلاع رسانی و آموزش عمومی

تعریف و به نمایش گذاشتن دوره های تاریخی در یک بنا

جلوگیری از مداخله در بنا، مجموعه و یا بافت با ارزش

کامیلو بویی تو میگوید: که امروز، تکرار دیروز نیست بلکه تحول و تداوم آن است. در امر حفاظت باید به جاری کردن زمان مداخله در بنا، مجموعه و یا بافت شهری اندیشید به طوری که روح زمان خود را القا کند. به سخن دیگر باید به حضور زمان در مکان اندیشید.

از طرفی پیوند با گذشته در امر مرمت بسیار ضروری است. همانطور که ذکر شد این پیوند به معنای تقلید از سبک های معماری قدیم نمی باشد. بناها و مجموعه های تاریخی گنجینه ای از اعتقادات، افکار و خاطرات نسل های گذشته هستند و نقش اساسی در خلق هویت شهرها دارند. در امر مرمت لازم است خاطره های تاریخی حفظ شوند. تنها با حفظ عناصر غنی گذشته و معاصر سازی آنها است که امکان گفت و گوی خلاق بین گذشته، حال و آینده میسر می گردد. (قدیری 1385)

مداخله انجام شده در بنا، مجموعه و یا بافت تاریخی توسط آن بنا، مجموعه و یا بافت تاریخی تعریف می گردد و اثر تاریخی از عناصر تعریف کننده مداخله انجام شده است. از طرفی دیگر با انجام مداخله است که بنا یا اثر تاریخی هویت اصلی گذشته خود را باز می یابد. بنابراین این دو مکمل یکدیگر هستند و موجب ایجاد یک مجموعه تاریخی در کنار یک مجموعه معاصر که دارای خاطرات ملی و فرهنگی هستند می شود و در عین موجودیت خویش موجب حفظ و رونق و برقراری ارتباط قطع شده جامعه با یک بنا یا مجموعه تاریخی می گردند.

نتیجه گیری

طراحی در جوار بناها و آثار تاریخی، موجب ایجاد ارتباط و مکالمه ای دو جانبه و متقابل میان اثر تاریخی و بنای الحاقی می گردد. لذا در چنین مواردی باید مطالعات جامعی در مورد اثر تاریخی و تأثیرات متقابل آن و بنای الحاقی بر یکدیگر انجام گیرد و در روند طراحی در نظر گرفته شود.

طرح مورد نظر باید با رویکردی به مسائل شهری و در نظر گرفتن روشهای جامع شهری باشد و دارای ویژگی هایی باشد که با انجام مطالعات تاریخی و منطقه ای و وضع موجود بافت مشخص می گردد و توجیه کالبدی و فیزیکی کافی داشته باشد و در جهت تأمین اهداف پروژه باشد. یکی از مهمترین مسائل جهت بازگشت حیاط به محله سنگ سیاه تأمین امنیت ساکنین محل و مردمی که جهت استفاده از امکانات موجود به این محله می روند است. در صورتی که مردم جهت عبور و مرور در این محله احساس امنیت داشته باشند روند احیا محله سنگ سیاه سریعتر و موجب احیا و بهسازی فراگیر در محله می شود. در حال حاضر بیشتر بناهایی که احیا می شوند به عنوان رستوران یا هتل سنتی یا موزه مورد استفاده قرار می گیرند، اما کاربریهای زیادی وجود دارد که میتواند کمک عدیده ای به احیای محله سنگ سیاه کند، رفع نیازهای ساکنین و ایجاد جزایتهایی خاص برای اقشار مختلف جامعه می تواند کمک زیادی به حضور حیات در این محله کند.

منابع :

حبیبی، سید محسن ، ملیحه مقصودی . ۱۳۸۶. مرمت شهری . تهران : دانشگاه تهران
رستگارفسائی، منصور، حسن حسینی فسائی. ۱۳۸۲. فارسنامه ناصری . تهران: امیرکبیر
قدیری ، بهرام . ۱۳۸۵. ساختارهای جدید در محیط های تاریخی . تهران : دفتر پژوهش های فرهنگی